

مبانی فقهی و حقوقی بازار دارایی‌های فکری

سید عباس موسویان^۱ / رضا میرزاخانی^۲ / مجتبی کاوند^۳ / سید امیر حسین اعتصامی^۴

چکیده

در طول چند دهه گذشته، دارایی‌های نامشهود در تمامی شرکت‌ها افزایش یافته است. علائم تجاری، امتیاز یا حق نشر، اختراعات، تعهدات قراردادی، سرقتی و سایر دارایی‌های فکری از جمله دارایی‌های نامشهود هستند که امروزه در صورت‌های مالی شرکت‌ها منعکس می‌شوند و دارای ارزش مالی بسیار بالایی هستند؛ از این رو، با توجه به اهمیت بسیار بالای دارایی‌های فکری در ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد، برای دادوستد این دارایی‌ها بازارهایی با نام بازار دارایی‌های فکری شکل گرفته است. به‌طور کلی سازوکار بازار به دلیل ایجاد رقابت و تا حدی از بین بردن انحصار به ایجاد شفافیت، حذف رانت و شکل‌گیری قیمت عادلانه کمک می‌کند و زمینه حمایت از یافته‌های فکری پژوهشگران و مخترعان را فراهم می‌آورد.

در ایران بازار غیررسمی دارایی‌های فکری وجود دارد؛ ولی بازار سازمان یافته‌ای برای خرید و فروش این دارایی‌ها تاکنون شکل نگرفته است. یکی از پیش‌نیازهای شکل‌گیری این بازار، بررسی جنبه‌های فقهی و شرعی دارایی‌های فکری و نیز قالب و چارچوب قراردادی معاملات این نوع از دارایی‌ها است. در این مقاله نخست به بررسی و تحلیل دارایی‌های فکری و انواع آن پرداخته شده است و سپس به شیوه‌های معاملات این نوع از دارایی‌ها اشاره شده است. بر این اساس، پرسش‌های این پژوهش آن است که ماهیت فقهی انواع دارایی‌های فکری چیست و معاملات آن در چه قالب قراردادی امکان‌پذیر است؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان در قالب عقود بیع، معاوضه، صلح، اجاره و مشارکت دارایی‌های فکری را به شیوه‌های مختلف واگذار کرد و برای آن بازار سازمان یافته تشکیل داد.

واژگان کلیدی: دارایی فکری، بازار دارایی فکری، علائم تجاری، اختراع، طرح صنعتی، عقود

معین.

طبقه‌بندی موضوعی: G10، G19

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲. دانشجوی دکتری فقه الاقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)

۳. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع)

۴. دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

دارایی همه شرکت‌ها شامل دو نوع دارایی است. برخی از دارایی‌ها قابل لمس هستند و برخی این‌گونه نیستند. دارایی‌هایی را که می‌توان دید و حس کرد، دارایی‌های مشهود می‌نامند. در مقابل هر دارایی که چنین ویژگی‌هایی ندارند دارایی نامشهود محسوب می‌شود. زمان زیادی از عمر دارایی‌های نامشهود می‌گذرد. نخستین ساکنان غارنشین ماقبل تاریخ با چگونگی روشن کردن آتش به‌منظور در اختیار گرفتن برخی دانش‌های با ارزش آشنایی داشتند. فن روشن کردن آتش یک نوع دارایی نامشهود محسوب می‌شد. جوامع کشاورزی اولیه که با هم کشاورزی می‌کردند، مالک سرمایه سازمانی با ارزشی شدند و تلاش جمعی آنان یک دارایی نامشهود ایجاد کرد.

دارایی‌های نامشهود در یک دسته بندی شامل دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی و غیرقابل شناسایی می‌شوند. دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی شامل دارایی فکری مانند حق اختراع، حق نشر، علائم تجاری، اسرار تجاری و غیره است. ویژگی مشترک دارایی فکری آن است که به لحاظ تاریخی همه آن‌ها به رسمیت شناخته شده و از آن‌ها حمایت قانونی شده است. قدمت مفهوم حق اختراع حداقل به مقدار قانون *medieval venetian* است که توسط توماس جفرسون در آمریکا در قانون حق اختراع ۱۷۹۳ تدوین شده است. قانون حق نشر از سال ۱۹۷۰ وجود داشته است. طبق این قانون دارایی‌های نامشهود به‌عنوان دارایی فکری شناخته می‌شوند (Cohen, 2005).

در ایران بازار غیررسمی دارایی‌های فکری وجود دارد ولی تاکنون بازار سازمان یافته‌ای برای خرید و فروش این دارایی‌ها شکل نگرفته است. یکی از پیش‌نیازهای شکل‌گیری این بازار، بررسی جنبه‌های فقهی و شرعی دارایی‌های فکری و نیز قالب و چارچوب قراردادی معاملات این نوع از دارایی‌ها است. در این مقاله نخست به بررسی و تحلیل دارایی فکری و انواع آن پرداخته شده است و سپس به شیوه‌های معاملات این نوع از دارایی‌ها اشاره شده است. بر این اساس، پرسش‌های این پژوهش آن است که ماهیت فقهی انواع دارایی‌های فکری چیست و معاملات آن در چه قالب قراردادی امکان‌پذیر است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان در قالب عقود بیع، معاوضه، صلح، اجاره و مشارکت، دارایی‌های فکری را به شیوه‌های مختلف واگذار و برای آن بازار سازمان یافته تشکیل داد.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیق‌هایی درباره دارایی‌های فکری و ماهیت آن صورت گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

صفایی (۱۳۵۰) در مقاله «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» ابتدا به شناسایی ماهیت و نوع مالکیت حق مؤلف و هنرمند؛ و سپس به تبیین حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده و ضمانت اجرای این حق می‌پردازد.

آذری (۱۳۶۰) در مقاله «حقوق معنوی پدیدآورنده اثر» به سیر تاریخی حقوق مؤلف و اجزا و مصادیق آن می‌پردازد. این پژوهش به سیر تاریخی حقوق معنوی در سه دوره عهد باستان، قرون وسطی و عصر جدید می‌پردازد. نویسنده چنین نتیجه‌گیری نموده است که هر چه در اجتماعی ارزش تراوشات فکری بیش‌تر و بهتر باشد، پدیدآورندگان از ارج و احترام بیش‌تری بهره‌مند بوده‌اند.

ایروانی (۱۳۷۴) در مقاله «حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن» دیدگاه‌های فرّق چهارگانه اهل تسنن و تشیع در رابطه با ماهیت حقوقی مبتکرین را مورد بررسی قرار داده است. هم‌چنین به منشأ حق مالکیت در ابتکار فرد و قابلیت حق ابتکار به منظور انتقال، معاوضه، ارث و وصیت پرداخته شده است.

حائری (۱۳۷۹) در مقاله «بررسی فقهی حق ابتکار» به پنج دلیل برای مشروع دانستن حق ابتکار اشاره می‌کند. که عبارتند از: ۱) ارتکاز عقلاء بر ملکیت این حقوق؛ ۲) ملکیت و سلطه تکوینی انسان نسبت به کارها، ذمه‌ها و دستاوردها؛ ۳) اولویت انسان نسبت به کار و نتایج عقلی آن است نه اینکه صرف ارتکاز عقلایی باشد؛ ۴) بر اساس قاعده لاضرر بهره‌برداری از نتیجه کار پدیدآورنده، اضرار به آن هاست که نفی شده است، ۵) از باب اوفوا بالعقود این معاملات، عقلایی و مورد تأیید شرع است.

فکور (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «تجاری‌سازی نتایج تحقیقات»، با مروری بر اهمیت تجاری‌سازی تحقیقات، به فرآیند انتقال فناوری از دانشگاه و سازوکارهای مورد استفاده جهت انتقال و تجاری‌سازی آن پرداخته است. در این مقاله به نقش دولت در تشکیل دفاتر انتقال فناوری در دانشگاه و مراکز تحقیقاتی تأکید شده است.

عطافر و علیتیان (۱۳۸۷) در مقاله «مروری بر مدل‌های اندازه‌گیری سرمایه فکری»، به تبیین موضوع سرمایه فکری پرداخته‌اند و سپس جایگاه سرمایه فکری در میان دارایی‌های شرکت و مدل‌های مربوط در این زمینه بررسی شده است. در این پژوهش به مدل‌های سرمایه معنوی و جایگاه سرمایه فکری در دارایی‌های نامشهود نیز پرداخته شده است.

حکمت‌نیا (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، به خاستگاه حقوقی مالکیت فکری و بحث‌های فلسفی این حوزه پرداخته است. در این تحقیق به تحلیل حکمی، وجود شناختی و چرایی مالکیت فکری پرداخته شده است. همچنین اعتبار مالکیت فکری در حقوق اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «اجزا و مدل‌های متداول سنجش دارایی‌های فکری»، به بررسی و مقایسه مدل‌های متداول سرمایه فکری پرداخته‌اند. در این تحقیق سرمایه ساختاری، سرمایه رابطه‌ای، سرمایه انسانی سه جزء سرمایه فکری شناسایی شده است. در این مقاله گزارشی از مدل‌های سنجش سرمایه فکری از جمله مدل کارت امتیازی، حسابرسی سرمایه فکری و... ارائه شده است.

اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به جنبه‌های حقوقی مالکیت فکری پرداخته‌اند و معطوف به حقوق پدیدآورندگان و نوع‌شناسی مالکیت و ماهیت این نوع حقوق می‌باشند. ولی واکاوی فقهی عمیقی در زمینه انواع دارایی‌های فکری و چگونگی انتقال و واگذاری دارایی‌های فکری و ابزارسازی در جهت ایجاد بازار متشکل دارایی‌های فکری صورت پذیرفته است. در این پژوهش، ضمن معرفی بازار دارایی‌های فکری تلاش شده است روش‌های انتقال و واگذاری حقوق دارایی‌های فکری از منظر فقهی تحلیل شود.

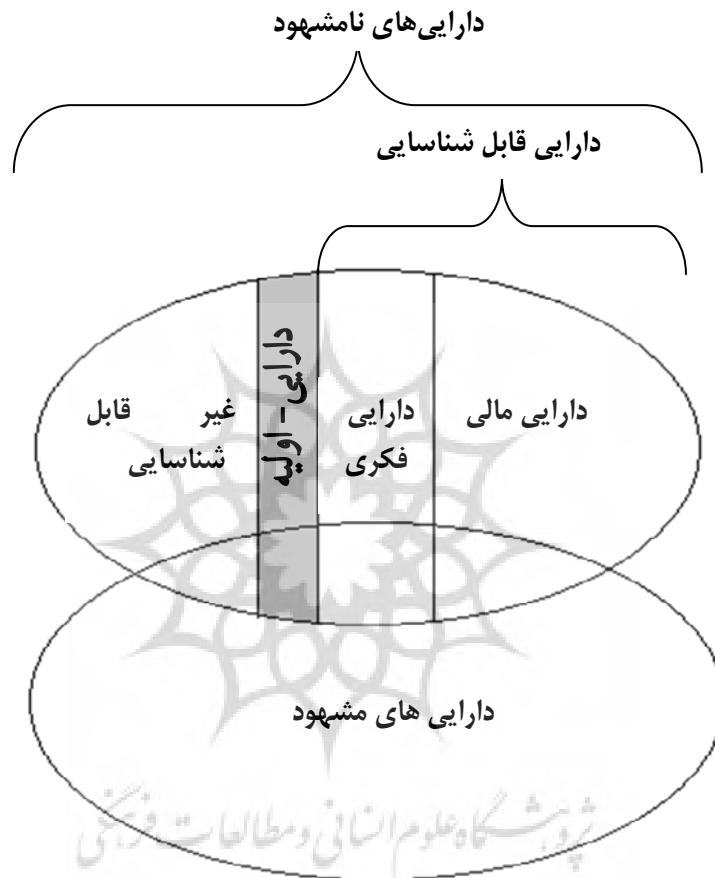
ادبیات پژوهش

۱- دارایی فکری

کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری، دارایی نامشهود را چنین تعریف کرده است: "دارایی غیرپولی قابل‌شناسایی، بدون ماده فیزیکی که برای استفاده در تولید یا عرضه کالاها و خدمات، و به‌منظور کرایه یا اهداف مدیریتی و یا دیگر اهداف نگهداری می‌شود" (International Accounting Committee, 1998). گاهی واژه سرقفلی^۱ برای تعریف مجموع تمامی دارایی‌های نامشهود یک بنگاه تجاری به کار می‌رود. ولی با نگاه دقیق‌تر، سرقفلی مجموع تمامی کیفیت‌های غیر قابل سنجشی است که باعث جذب مشتریان جدید برای آن بنگاه می‌گردد (Mard, 2007).

1. Goodwill

به‌طور کلی دارایی‌ها به دو دسته دارایی‌های مشهود^۱ و نامشهود^۲ تقسیم می‌شوند. دارایی‌های نامشهود نیز شامل دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی^۳، دارایی‌های نامشهود غیرقابل شناسایی^۴ و دارایی‌های اولیه^۵ تقسیم می‌شوند. دارایی‌های فکری همانند حق ثبت اختراع^۶، حق نشر^۷، علائم تجاری^۸ (Andriessen, 2004) و اسرار تجاری^۹، زیرمجموعه دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی هستند. در نمودار زیر دسته‌بندی کلی این دارایی‌ها نشان داده شده است (Cohen, 2005).



1. Tangible assets
2. Intangible assets
3. Identifiable Intangible
4. Unidentifiable Intangible
5. Proto - assets
6. Patent
7. Copyright
8. Trade marks
9. Trade secrets

سرمایه فکری^۱ (IC) به دانشی اطلاق می‌شود که بتواند به ارزش تبدیل شود (Edvinsson et al., 1996). سرمایه فکری تفاوت میان ارزش بازاری و ارزش دفتری شرکت است؛ که این تفاوت خود شامل دارایی‌های فکری و بدهی‌های فکری می‌باشد (Caddy, 2000; Abeysekera, 2008). به لحاظ حسابداری، دارایی فکری در ترازنامه عبارتست از اقلام دانش بنیانی که شرکت مالک آن است و در آینده سودآوری را برای شرکت به همراه خواهد داشت (IFAC, 1998).

اصطلاح سرمایه فکری را اولین بار Galbraith در سال ۱۹۶۹ مطرح کرد (بهرامی، ۱۳۹۱) مالکیت فکری^۲ به اموال غیر مادی، مالکیت معنوی، مالکیت ذهنی و مالکیت فکری ترجمه شده است. برخی از حقوق دانان اصطلاح «مالکیت‌های فکری» را مناسب تشخیص داده‌اند و معتقدند که کلمه معنوی در لغت مقابل مادی و بیرونی می‌باشد حال آنکه منشأ این حقوق فکر و اندیشه و تعقل انسان‌ها است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷). تعداد دیگری از حقوق دانان اصطلاح «حقوق مالکیت معنوی» را مناسب‌تر می‌دانند و معتقدند که همه موضوعات مالکیت‌های معنوی الزاماً در اثر فکر و اندیشه ایجاد نمی‌گردد، بلکه برخی از آن‌ها تنها به لحاظ این که وجود مادی ندارند، در این مقوله جای می‌گیرند مانند سرقتی (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷).

در همه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، سازوکار ثبت و ضبط دارایی‌های فکری به صورت سازمان یافته وجود دارد. کنوانسیون‌های مختلفی برای حمایت از حقوق مالکیت دارایی فکری، پس از کنوانسیون پاریس، که سرآغاز تدوین مقررات بین‌المللی در این حوزه بود، تشکیل شد. در عرصه بین‌المللی، ایران در سال ۱۳۳۷ به کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی پیوست و در سال ۱۳۷۷ آخرین اصلاحات آن را پذیرفت، در سال ۱۳۸۰ اساسنامه سازمان جهانی مالکیت فکری را پذیرفت و عضو این سازمان شد. ایران، در سال ۱۳۸۲ به موافقت‌نامه و پروتکل مادرید در رابطه با ثبت بین‌المللی علائم تجاری و در سال ۱۳۸۳ موافقت‌نامه مادرید در مورد جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه کننده بر روی کالا و هم‌چنین موافقت‌نامه لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدا و ثبت بین‌المللی آن‌ها ملحق شد. *پژوهش‌های علمی و مطالعات فکری*

در کشورهایی نظیر هند، چین، ژاپن و انگلستان، کارگزاری‌های تخصصی در حقوق مالکیت فکری، اقدام به خرید و فروش گواهی حق مالکیت دارایی فکری می‌کنند. گزارش دفتر جهانی مالکیت فکری در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که چین با پشت سر گذاشتن آمریکا و ژاپن، بیش‌ترین

1. Intellectual capital
2. Intellectual Property

آمار ثبت و ضبط دارایی فکری، با نزدیک به ۵۰۰ هزار مورد ثبت شده در جهان را به خود اختصاص داده است. دومین اقتصاد جهان با ابداع دارایی‌های فکری و ثبت و ضبط حقوق مالکیت آن‌ها برای فروش در بازارهای فناوری، دارو و اتومبیل داخلی و بین‌المللی توانسته است گزاره "ساخت چین" را به "طراحی شده در چین" تبدیل کند. دولت چین، جهت ایجاد انگیزه جهت حضور شرکت‌های بزرگ صنعتی، برای ثبت و ضبط و خرید و فروش دارایی‌های فکری، معافیت مالیاتی تعیین نموده است.

به گزارش دفتر جهانی دارایی فکری در سال ۲۰۱۰، شرکت ZTE چین (دومین سازنده تجهیزات مخابراتی در این کشور) در تولید و ثبت دارایی‌های فکری در این سازمان، پس از شرکت پاناسونیک ژاپن در رده دوم جهانی قرار گرفت. امروزه شرکت‌های چینی با بهره‌گیری از نوآوری‌های بیش‌تر در فرآیند تولید، از شخصیت یک پیمانکار عمومی به برندهای تولیدی پرسود منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

در کشور ژاپن، شبکه پیشرفته مالکیت صنعتی تحت عنوان (ای.آی.پی.ان) وجود دارد که در حال حاضر ۳۷ کشور جهان در این شبکه عضویت دارند. از جمله فعالیت‌های این شبکه، تسهیل در امر ثبت اختراعات و ابداعات است. شبکه پیشرفته مالکیت صنعتی شبکه‌ای است بر روی اینترنت که با استفاده از آن می‌توان به جز تسهیل در امر ثبت اختراعات، به ارزیابی ابتکارات و نوآوری‌ها در سطح بین‌المللی و معاملات آن پرداخت.

مطالعات متعددی بر این نکته تأکید می‌کنند که در اکثر کشورها، گواهی حق مالکیت دارایی فکری نقش مهمی در توسعه و تجاری سازی فناوری ایفا می‌کند و با تشکیل یک بازار متحدالشکل، هزینه‌های مبادله را نیز به نسبت معاملات خارج از بازار به حداقل می‌رساند. بسیاری از مالکین دارایی‌های فکری راهبردی، علاقه چندانی به گواهی سازی مبتنی بر آن‌ها ندارند، در حالی که یک بازار منظم و فعال می‌تواند بسیاری از این ابداعات را از حالت غیرفعال خارج کرده و با هزینه مبادله کم‌تری مورد خرید و فروش قرار دهد (Rivette, 2000).

۲- بورس دارایی فکری

پیشینه و تجربه اولین بورس بین‌المللی در آمریکا

بورس بین‌المللی معاملات دارایی فکری^۱، اولین بازار مالی دارایی فکری است که در زمینه اعطای گواهی‌نامه و اجرای معاملات حق مالکیت دارایی فکری از اصولی استاندارد شده استفاده می‌نماید. محصول اولیه قابل معامله در این بورس، یک واحد «گواهی حق مالکیت دارایی فکری»^۲ می‌باشد. این گواهی هم‌چون یک برگ سهام، معرف دارایی فکری است که بر اساس ارزش آن قیمت‌گذاری و پس از پذیرش در بورس، مورد معامله قرار می‌گیرد. فرآیند معامله، با تحلیل طراحی شده از ویژگی‌ها و ارزش دارایی فکری آغاز می‌شود و پس از آن ULR مورد نظر، در IPXI پذیرفته می‌گردد. قیمت واحدهای گواهی حق مالکیت دارایی فکری، از طریق سازوکار عرضه و تقاضا در بازار مشخص می‌گردد.

در زمینه خرید و فروش دارایی فکری، IPXI آمریکا جزو تنها بازارهای معاملات دارایی فکری بوده است. در این بازار خریدار و فروشنده به صورت تک به تک برای مبادله دارایی فکری وارد مزایده می‌شوند.

بازار معاملات بین‌المللی و دارایی فکری (IPXI)، اولین بازار مالی است که بر مبادلات حق مالکیت فکری تمرکز کرده است. شرکت‌های بین‌المللی بزرگی هم‌چون سونی، فیلیپس و فورد برای مشارکت به عنوان اعضای مؤسس، در آینده‌ای نزدیک قراردادهایی در این زمینه منعقد خواهند نمود. از آغاز تأسیس بازار مبادلات دارایی فکری در دسامبر ۲۰۱۱، ۲۷ سازمان به آن ملحق شده‌اند. این سازمان‌ها شامل نوآوری‌ها و اختراعات شرکت‌هایی با مالکیت دارایی‌های فکری مهم فعال در بازار فناوری، سه بخش از آزمایشگاه‌های انرژی ملی، نهادهای تحقیقاتی دانشگاه‌های معتبر و یک مجمع از شرکت‌های حقوق مالکیت فکری پیشرو می‌باشد.

بازار IPXI شیوه استانداردسازی و لیسانس‌دهی به دارایی‌های فکری و معاملات آن‌ها را با اجاره‌دادن به شرکت‌ها برای خرید و فروش واحدهای حق مالکیت دارایی فکری دگرگون ساخت. این «گواهی حق مالکیت دارایی فکری» می‌تواند هم‌چون سهام مورد معامله قرار گیرد. به عنوان مثال، هر واحد «گواهی حق مالکیت دارایی فکری» می‌تواند برای یک بار استفاده در تولید یک محصول به شرکت دیگری واگذار شود. به عنوان مثال، اگر یک شرکت خودرویی، بخواهد فناوری خریداری شده را در تولید ۵۰ هزار اتومبیل مورد استفاده قرار دهد، باید ۵۰ هزار واحد گواهی حق مالکیت

1. Intellectual Property Exchange International (IPXI)

2. Unit License Right (ULR)

دارایی فکری را به قیمت بازار خریداری نماید. در واقع بازار دارایی فکری، رویکرد جدیدی برای گواهی‌دار کردن فناوری‌های نوآورانه است که مشکلات مبادلات سنتی دارایی فکری، به صورت مذاکرات خارج از بازار را ندارد و ریسک تبادل را کاهش می‌دهد. برای اولین بار، شرکت‌ها و بنگاه‌ها می‌توانند واحدهای گواهی حق استفاده از فناوری را خرید و فروش کنند و با هزینه‌های معقول و سازمان‌یافته، به فناوری مورد نظر خود دست یابند. جرارد. جی. پنکوک، رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل IPXI، بر این باور است که: "به طور خاص، شکل‌گیری این بازار برای شرکت‌های کوچک با بودجه متوسط، با ارائه شیوه‌ای ارزان و سریع برای دستیابی به مالکیت فکری، مفید خواهد بود."

مجموعه IPXI بر اساس دو اصل شفافیت و کارایی فعالیت می‌کند. هنگامی که یک گواهی حق دارایی فکری در عرضه اولیه قیمت‌گذاری شده، IPXI بازار ثانوی برای خریداران و فروشندگان ULR را فراهم می‌سازد تا از مبادله یا بازفروش آن، نقدینگی تأمین نمایند (www.ipxi.com).

اهداف اولیه بورس بین‌المللی معاملات دارایی فکری

مجموعه بورس بین‌المللی دارایی‌های فکری آمریکا، اهداف خود را این گونه معرفی می‌کند:

الف) ایجاد شفافیت برای بازار معاملات دارایی فکری شامل کشف قیمت، شناسایی فناوری به صورت قابل مقایسه و اطلاعات استاندارد شده. هم‌چنین ایجاد شفافیت در روند ثبت گواهی مالکیت دارایی فکری.

ب) فراهم آوردن بازار ثانوی برای فناوری‌هایی که به شرکت‌های عملیاتی اجازه آن را می‌دهد که ریسک افشاء نوآوری‌های خود را پوشش دهند و برای تجاری‌سازی آن سرمایه‌گذارانی پیدا کنند. به‌منظور نیل به این اهداف، وظایف و مسئولیت‌هایی در این مجموعه تعریف شده است. یکی از این مسئولیت‌ها، وکالت در امور اجرایی و آزمایش دارایی فکری می‌باشد. آزمایش در مورد آن دسته از دارایی‌های فکری است که کاربرد صنعتی دارند و پیش از تجاری‌سازی آن نیاز به آزمایش آن در آزمایشگاه‌ها وجود دارد. از جمله وظایف کلیدی این پست می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تحلیل و بررسی سبد دارایی فکری شامل مجوز، اعتبار، قابل تجاری‌سازی بودن و دعوی قانونی.

ب) نظارت به‌عنوان کارشناس دارایی فکری و مشاوره برای تهیه تحلیل‌های اعتبار و مجوز.

ج) برنامه‌ریزی برای جلسات و مصاحبه با طرفین مبادله از جمله، صاحب اختراع، شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها، آزمایشگاه‌های ملی، هلدینگ‌های دارایی فکری، مخترعین، مشاوران و

و کلای دیگر.

د) فراهم کردن مدارک و موادی که اعضای تیم و خریداران آتی ULR را از ارزش بالقوه دارایی فکری مورد معامله آگاه سازد.

ه) شناسایی دارایی‌های فکری یا سبدي از دارایی فکری با ارزش که برای ارائه در بازار IPXI مناسب می‌باشند.

و) ارزش‌گذاری سایر دارایی‌های فکری و استانداردسازی این دارایی‌ها در قالب واحدهای ULR.

هم اکنون این بازار یکپارچه در کل جهان به‌عنوان یک بستر بین‌المللی برای واگذاری حق استفاده از دارایی‌های فکری شناخته شده است. کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای توسعه یافته و نوظهور برای تبادل حق ثبت اختراع در IPXI فعالیت می‌کنند.

۳- قراردادهای گواهی حق مالکیت دارایی فکری

سازوکار مبادلات

قراردادهای ULR، یک حق ثبت اختراع خصوصی را به یک محصول قابل معامله و قابل استفاده تبدیل می‌کند. یک قرارداد ULR، معادل گواهی حق غیر انحصاری دارایی فکری است که بر یک مبنای غیر تبعیض آمیز و در یک قیمت مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار و استاندارد شده عرضه می‌گردد. هر قرارداد بر اساس نوع فناوری دارایی فکری آن در IPXI قیمت‌گذاری و به فروش می‌رسد. هر خریدار یک واحد می‌تواند آن را برای استفاده در تولید یک محصول استفاده کند. به محض گزارش استفاده از دارایی فکری به IPXI، این گواهی مصرف شده و منقضی می‌گردد. در صورت عدم استفاده از آن، خریدار می‌تواند در بازار ثانوی آن را به فروش برساند (www.ipxi.com).

۴- انواع مالکیت های فکری

اختراعات

طبق ماده ۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶، اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و مانند آن‌ها حل می‌نماید. هم‌چنین اختراعی قابلیت ثبت شدن را دارد که حاوی ابتکار و کاربرد صنعتی باشد. طبق این قانون حقوق اختراع ثبت شده منحصرأ متعلق به مخترع

است؛ البته این حقوق قابل انتقال است و در صورت فوت صاحب حق به ورثه او منتقل می‌شود. بر اساس ماده ۳ این قانون، گواهی‌نامه اختراع، سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می‌کند و دارنده آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود (قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی).

طرح‌های صنعتی

هرگونه ترکیب خطوط یا رنگ‌ها و هرگونه شکل سه‌بعدی با خطوط، رنگ‌ها و یا بدون آن، به‌گونه‌ای که ترکیب یا شکل یک فرآورده صنعتی یا محصولی از صنایع دستی را تغییر دهد، طرح صنعتی است (قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی).

ماده ۲۸- حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی، مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است:

الف - بهره‌برداری از هر طرح صنعتی که در ایران ثبت شده باشد، توسط اشخاص، مشروط به موافقت مالک آن است.

ب - بهره‌برداری از یک طرح صنعتی ثبت شده عبارت است از: ساخت، فروش و وارد کردن اقلام حاوی آن طرح صنعتی.

علائم، علائم جمعی و نام‌های تجاری

ماده ۳۰- علامت، علامت جمعی و نام تجاری عبارتند از:

الف- علامت یعنی هر نشان قابل رؤیتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد.

ب- علامت جمعی یعنی هر نشان قابل رؤیتی که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت، معرفی شود و بتواند مبدأ و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند، متمایز سازد.

ج- نام تجاری یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

ماده ۴۰- حقوق ناشی از ثبت علامت، مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است:

الف- استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیر از مالک علامت، مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد.

ب- مالک علامت ثبت شده می تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه، موجب گمراهی عموم می گردد.

ج- حقوق ناشی از ثبت علامت، اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می گردد، شامل نمی شود.

د- مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است. یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، در نظر گرفته می شود (قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی).

۵- شیوه های معامله دارایی فکری

برای دادوستد دارایی فکری روش هایی وجود دارد که عبارتند از:

انتقال قطعی و همیشگی دارایی فکری

در این روش که در مورد برخی از دارایی های فکری مانند اختراع، کاربرد دارد، کلیه حقوق مربوط به خود را برای همیشه و به صورت قطعی به فرد دیگری که معمولاً یک شرکت است واگذار می کند. شرکت خریدار نیز به عنوان یک سرمایه گذار قصد دارد تا با سرمایه گذاری بر روی اختراع خریداری شده، آن را به تولید انبوه رسانده و از این محل کسب سود نماید.

واگذاری حق بهره برداری از دارایی فکری برای مدت معین

در این روش دارنده مالکیت فکری قصد واگذاری دائم آن را ندارد. این نوع از واگذاری در مورد برخی دارایی های فکری مانند علائم تجاری کاربرد دارد. دارنده علائم تجاری می تواند حق بهره برداری از آن را برای مدت معینی به شرکتی خاص واگذار نمایند. پس از پایان مدت معین، تمدید قرارداد با شرایط جدید امکان پذیر خواهد بود. این نوع از واگذاری در بلندمدت به نفع دارنده مالکیت فکری است.

واگذاری حق بهره‌برداری از دارایی فکری برای مقدار معین

برخی از دارایی‌های فکری مانند طرح‌های صنعتی را می‌توان در این قالب واگذار کرد. بدین منظور دارنده طرح صنعتی حق بهره‌برداری از آن را به مقدار معینی به دیگری واگذار می‌نماید. به‌عنوان مثال به شرکتی خاص اجازه می‌دهد تا به تعداد مشخصی برای مثال ۱۰۰ هزار قطعه در محصولات خود از این طرح صنعتی استفاده نماید. در این نوع از واگذاری مالکیت فکری، در بلندمدت منافع دارنده مالکیت فکری حفظ می‌شود.

مشارکت مالک دارایی فکری با بهره‌بردار به صورت دائم یا برای مدت یا مقدار معین

نوع چهارم واگذاری ترکیبی از سه نوع مورد اشاره شده در بالا می‌باشد. چنانچه دارنده مالکیت فکری توان سرمایه‌گذاری داشته و دارای منابع مالی کافی باشد، می‌تواند به‌منظور کسب منفعت بیش‌تر با سرمایه‌گذار دیگر جهت بهره‌برداری از مالکیت فکری مشارکت نماید. قالب مشارکت بنا به توافق طرفین می‌تواند به صورت دائم یا موقت (برای مدت معین یا مقدار معین) باشد.

۶- مزایای ایجاد بازار دارایی فکری

همان‌طور که در ابتدای تحقیق به اهمیت تجاری‌سازی نتایج تحقیقات، خلق طرح‌های کاربردی صنعتی و اختراعات اشاره شد، راه‌اندازی بازار دارایی فکری در این راستا، مزایای متعددی در حیطه‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی دربردارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱. توسعه تحقیق و پژوهش بر پایه نتیجه‌گیری‌های کاربردی در محیط علمی،
۲. پیوند محیط دانشگاهی و پژوهشی با بخش‌های صنعتی و تولیدی توسط بازار سرمایه،
۳. بها دادن به دستاوردهای مخترعین و حمایت مالی برای تشویق به نوآوری،
۴. افزایش بهره‌وری تولید با طرح‌های برآمده از تخصص دانش پژوهان،
۵. حفاظت از حقوق مخترعین در محیط قانون‌مند و منظم بازار سرمایه با توثیق اوراق بهادار،
۶. حمایت از حقوق خریدار با ارزیابی کارشناسی طرح و ایده و تعیین قیمت از سازوکار پیشنهاد و درخواست،
۷. گسترش فرهنگ فعالیت در بازار سرمایه و کمک به توسعه آن.

امکان سنجی فقهی

برای تحلیل بازار دارایی فکری، ابتدا باید ماهیت فقهی و حقوقی دارایی فکری را بررسی کرد تا بتوان مشخص نمود که در قالب کدام یک از عقود شرعی قابلیت معامله را دارد. منظور از ماهیت دارایی فکری این است که آیا مال محسوب می‌شود یا خیر؟ و اگر محسوب شود، با توجه به این که مال اقسام مختلف دارد، دارایی فکری جزء کدام یک از اقسام مال است. هر کدام از اقسام مال، دارای خصوصیت و ویژگی‌های مخصوص به خود می‌باشد که آثار خاصی بر آنها مترتب می‌شود.

تعریف مال

«مال» در لغت عرب از فعل ماضی «میل» به معنای خواستن است و علت نام‌گذاری آن به مال هم همان میل به این و آن و دست به دست گردیدن است (طریحی، ۱۴۱۶). برخی واژه‌شناسان نیز مال را عبارت از هر آنچه که انسان آن را مالک شود، می‌دانند. از این اثیر نقل شده که مال در اصل، طلا و نقره‌ای است که انسان مالک آن می‌شود و به تدریج در مطلق آن چه که ملک انسان واقع می‌شود، به کار رفته است گرچه از غیر طلا و نقره نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴).

مالیت، از نگاه فقهاء با دو شرط محقق می‌شود؛ یکی این که قابل انتفاع بوده و نزد عقلاء دارای منفعت قابل توجهی باشد. دیگر این که شارع آن منفعت را حلال شمرده باشد (خویی (الف)، بی تا). شرط دیگری که در کلام برخی از فقیهان به آن اشاره شده، این است که شیء از فراوانی برخوردار نباشد به این معنا که به راحتی قابل دسترسی نبوده و به دست آوردن آن نیاز به انجام کاری یا ایجاد معامله‌ای باشد. به گونه‌ای که عقلاء برای به دست آوردن آن از یکدیگر سبقت گرفته و با هم رقابت داشته باشند (حکیم، بی تا).

مال در فقه به این شرح تعریف شده است: «المال ما یبذل بازائه المال»؛ یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. ولی گروهی از فقهاء عقیده دارند که در این تعریف دور وجود دارد، زیرا در تعریف مال آمده است: مال چیزی است که به ازای آن مال داده می‌شود. پس تعریف مبتنی بر تعریف خود مال است. به نظر می‌رسد بهتر است در تعریف مال گفته شود: مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازهای آنان را برطرف می‌کند. بخشی از اموال مانند اغذیه و لباس به طور مستقیم نیاز انسان‌ها را رفع می‌کنند و بنابراین مالیت و ارزش آن‌ها تکوینی و واقعی است، و دسته دیگر به طور مستقیم رفع نیاز نمی‌کنند، ولی وسیله رفع نیاز هستند، مانند پول که به

خودی خود رافع نیازی نیست، بلکه با اموال دیگر مبادله می‌شود و به واسطه آن‌ها رفع نیاز می‌کند و ارزش اعتباری دارد (همان).

از منظر اقتصادی، مال عبارت است از چیزی که دارای ارزش مبادلاتی باشد. در نزد اقتصاددانان، مالیت اشیاء، بسته به ارزش مبادلاتی آن‌هاست؛ یعنی چیزی مال است که بتوان آن را در بازار با چیز دیگری مبادله کرد. داشتن ارزش مبادلاتی منوط به این است که ارزش پرداخت چیزی در قبال آن را داشته باشد. توضیح بیش‌تر، این که برای کالا دو نوع ارزش وجود دارد:

۱- ارزش مصرفی.

۲- ارزش مبادلاتی.

«ارزش مصرفی» این است که به‌طور مستقیم - بالفعل یا بالقوه - نیازی از نیازها را تأمین کند. و به‌عبارت دیگر فایده‌ای داشته باشد.

«ارزش مبادلاتی» نیز عبارت است از این که آن کالا به‌گونه‌ای باشد که مردم حاضر باشند در برابر آن، چیزی پردازند و این ارزش در صورتی به وجود می‌آید که علاوه بر داشتن فایده، از نظر فراوانی در حدی نباشد که دیگر، تقاضایی نسبت به آن وجود نداشته باشد. با توجه به توضیح فوق روشن می‌گردد که وقتی گفته می‌شود مال، چیزی است که دارای ارزش مبادلاتی باشد، یعنی:

نخست، نیازی را تأمین کند. بنابراین نخ‌های مصرف شده در لباسی که آن را شکافته‌اند و میوه‌های خراب شده چون به درد نمی‌خورد و به تعبیر فقها منفعت عقلایی ندارد، مال نیست (شیخ انصاری، ۱۴۱۵).

دوم، به حدی زیاد نباشد که بدون کار و یا گرفتن از دیگران، در دسترس همه باشد. بنابراین هوا و آفتاب در عین حال که نیاز اساسی را تأمین می‌کنند و دارای ارزش مصرفی هستند، مال نمی‌باشند. که از آن در کتاب‌های فقهی به «کمیابی» تعبیر می‌شود (حکیم، بی‌تا).

حضرت امام (ره) در تعریف مال می‌فرماید: «مال، آن چیزی است که مورد رغبت عقلا باشد و از سوی آنان تقاضا گردد به نحوی که حاضر به پرداخت عوض و قیمتی در برابر آن باشند» (خمینی، ۱۴۱۵).

انواع مال

از منظر فقهی معمولاً مال به اعتبار وجود آن در خارج به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱. عین،

۲. منفعت،

۳. حق.

عین؛ به مالی گفته می‌شود که وجود خارجی داشته باشد و با حواس ظاهری قابل حس باشد. **منفعت؛** به فایده‌ای گفته می‌شود که از اشیاء خارجی به دست می‌آید. مال بودن منفعت در میان فقها، محل اختلاف است. برخی از آنان، منفعت را از اقسام مال شمرده اند (خویی (ب)، بی‌تا، ج ۴) در حالی که برخی دیگر مال را در کنار منفعت ذکر کرده و حکم واحدی را بر آن‌ها بیان کرده‌اند (نائینی، ۱۴۱۳).

حق؛ فقها در بیان معنای اصطلاحی حق اختلاف نظر دارند. برخی آن را به «سلطنت بر شیء» تعبیر کرده و آن را مرتبه ضعیفی از ملکیت برشمرده‌اند (همان، ۹۲). برخی نیز حق را نوعی «ملک» می‌دانند (یزدی، ۱۴۲۱). گروهی نیز بر این باورند که حق، به طور مستقل از جانب شارع وضع شده و عبارت است از سلطنت بر غیر (اصفهان‌ی، ۱۳۹۸).

مال در اصطلاح حقوقی چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد؛ یعنی بتوان مورد دادوستد قرار گیرد (امامی، ۱۳۷۴). حقوقدانان تعریف دیگری نیز در رابطه با مال ارائه داده‌اند و آن این است: «مال به چیزی گفته می‌شود که دارای عناصر ذیل باشد:

الف- امکان اختصاص به شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) را داشته باشد.

ب- قابل نقل و انتقال باشد.

ج- منفعت عقلایی داشته باشد.

د- منفعت حلال داشته باشد، لذا در بینش اسلام، خوک و شراب، مال محسوب نمی‌آیند.

ه- محکی باشد نه حاکی؛ یعنی اگر چیزی حاکی از واقعیتی باشد آن واقع مال است نه آن حاکی. به عنوان مثال، اوراق قرضه که حاکی از طلب، است آن طلب مصداق مال است نه اوراق قرضه» (طاهری، ۱۴۱۸).

در تقسیم‌بندی مال و بیان اقسام مختلف آن، وجوه متفاوتی وجود دارد و مال را از جهات گوناگون می‌توان تقسیم کرد. حقوقدانان معمولاً برای انجام تقسیمات مال، از حق آغاز می‌کنند. یعنی در ابتدا حق را به اعتبار ارزش مالی به دو قسم تقسیم می‌کنند: حق مالی مانند حق مالکیت نسبت به

خانه یا حق طلب و حق غیر مالی مانند حق بنوت و حق زوجیت (امامی، ۱۳۷۴). سپس با یکسان دانستن حق مالی و مال هم‌چنان که در عبارت ذیل آمده است، در صدد تقسیم حق مالی بر می‌آیند. مال همان حق مالی است که بر اشیا مترتب می‌گردد (السنهوری، بی‌تا). در تقسیم مال و حق مالی چنین می‌گویند: حق مالی خود بر دو قسم است:

۱. حق مالی عینی و آن حقی است که شخص نسبت به عین خارجی دارد مانند حق مالکیت نسبت به عین، منفعت، حق انتفاع و حق تحجیر و امثال آن.
 ۲. حق مالی دینی و آن حقی است که شخص نسبت به دیگری دارد و می‌تواند ایفای آن را از او بخواهد و مدیون مکلف است آن را انجام دهد (امامی، ۱۳۷۴).
- اشخاص می‌توانند نسبت به اموالی که در خارج موجود است دارای حقوقی باشند که آن‌ها را حقوق عینی می‌نامند، قانون مدنی در ماده «۲۹» سه قسم از آن را بیان می‌نماید: حق مالکیت (اعم از عین یا منفعت)، حق انتفاع و حق ارتفاق (امامی، ۱۳۷۴).

حق مالکیت و ملکیت

مالکیت کاملترین حق عینی شخصی بر مال معین می‌باشد. مالکیت عنوانی است اعتباری که مبین نسبت و رابطه اشیا با اشخاص است و دربردارنده مجموعه روابط و مناسباتی است که استیلاء و تسلط انسان‌ها را بر اشیا نشان می‌دهد. بنابراین تعریف، بین شیء موضوع مالکیت با شخص مالک، علقه و وابستگی خاصی وجود دارد که اختصاصی است و مانع ورود اغیار در این رابطه می‌گردد (یزدی، ۱۴۰۶). به عبارت دیگر، رابطه‌ای است حقوقی بین شخص و چیز مادی (جاندار یا بی‌جان، منقول و یا غیر منقول) یا توابع چیز مادی مانند (منافع خانه یا اتومبیل) که به موجب این رابطه، حق همه گونه بهره‌برداری از آن چیز را دارد مگر اموری که قانون استثناء کرده باشد.

انواع ملکیت

ملکیت و مالکیت دارای انواعی است:

- ۱- ملکیت حقیقی: همان ملکیتی که خداوند متعال دارا می‌باشد و آن مالکیت جمیع اشیا و اموال و انفس و ارواح است.
- ۲- ملکیت اعتباری: همان مالکیت انسان است که مالک فکر و عقل و قوای جسمانی‌اش می‌باشد و در طول مالکیت خداوند است (منتظری، ۱۴۰۹). شایان ذکر است که رابطه ملکیت را به اعتبار دارنده حق، مالکیت و به اعتبار موضوع آن، مملوکیت گویند.

مقومات ملکیت

عناصر اصلی ملکیت عبارتند از :

۱. جامع یا مطلق بودن: مالک نسبت به مملوک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد. در حقیقت این عنصر به جامعیت در گستره حق اشاره دارد و شامل استعمال و استقلال و تصرف می گردد.
۲. انحصاری بودن: مالک می تواند از تصرف و انتفاع دیگران از ملک خود جلوگیری کند. این ویژگی نتیجه طبیعی اطلاق اختیار مالک است.
۳. دائمی بودن: ملکیت تا زمانی که موضوع آن باقی است، استمرار می یابد. بنابراین مالکیت حقی مطلق، انحصاری و دائمی می باشد که شخص نسبت به مالی دارد و به او اجازه می دهد که از تمامی منافع اقتصادی آن بهره مند گردد (امامی، ۱۳۷۴).

تطبیق عناصر مقوم ملکیت بر دارایی فکری

حال باید دید آیا این عناصر مقوم ملکیت در دارایی فکری وجود دارد یا نه:

عنصر جامعیت: این عنصر در مالکیت معنوی وجود دارد و از این بابت مشکلی وجود ندارد. عنصر مانعیت (انحصار): ممکن است کسی ادعا کند، امکان ندارد چنین چیزی در مالکیت معنوی وجود داشته باشد. زیرا استفاده و بهره برداری از آن در صورتی میسر است که مالک، آن را در دسترس دیگران قرار دهد و منتشر نماید. با وجود این، چگونه می تواند مانع بهره برداری و استفاده دیگران از اموال معنوی خود گردد. جواب چنین پرسشی این است که وقتی کسی حمایت قانونی را برای کالای خود به دست آورده باشد، دیگر کنترل دیگران دشوار نیست (حکمت نیا، ۱۳۰، ۱۳۸۱-۱۳۳).

عنصر دوام: عمده ترین اشکال در مالکیت معنوی، عدم وجود عنصر دوام در آن است، زیرا در تمام نظام های حقوقی، حمایت از حقوق اقتصادی، مالکیت معنوی، موقت و برای مدت معینی قرار داده شده است. همین نکته باعث شده است که نظریه ملکیت موقت را در اینجا ارائه دهند، مالکیت معنوی را نوعی مالکیت موقت بدانند که با فرا رسیدن وقت مقرر، مالکیت مالک خود به خود مرتفع می شود. موقتی بودن دارایی فکری و محدود بودن آن به زمان معین، به قانون هر کشوری وابسته است؛ مثلاً در ایران و انگلستان قانون ثبت علائم و اختراعات، حق انحصاری مزبور را حداکثر برای مدت بیست سال به رسمیت شناخته ولی قوانین آمریکا انحصار این حق را ۱۷ سال می داند. علت موقتی بودن حقوق

مادی این است که اثر ادبی یا هنری و سایر حقوق فکری برای استفاده عموم پدید یافته است. بنابراین بعد از مدت زمانی بایستی حقوق فردی نسبت به اثر به نفع حقوق جامعه ساقط شود تا همگان از آن بهره‌مند گردند.

بررسی فقهی دارایی فکری از نظر تقسیم‌بندی انواع مال

درباره ماهیت حقوق فکری و این که آیا از نوع حق به شمار می‌رود یا حکم و اگر حق است، چه نوع حقی شمرده می‌شود، دیدگاه‌های گوناگونی ابراز شده است. شیخ انصاری (ره) برای حق، اقسامی را ذکر می‌کند که عبارت است از:

۱. حقوقی که قابل معاوضه با مال نیست یا به عبارت دیگر قابل نقل و اسقاط نمی‌باشند؛

مثل حق حضانت و حق ولایت

۲. حقوقی که قابل اسقاط است ولی قابلیت نقل ندارد؛ مثل حق شفعه و خیار

۳. حقوقی که هم قابل نقل و انتقال است و هم قابل اسقاط؛ مثل حق تحجیر

به نظر حقوقدانان، ویژگی‌های حق بر حقوق مالکیت فکری انطباق دارد. همچنین از آن‌جا که این حقوق بسیاری از ویژگی‌های مال (ارزش اقتصادی داشتن، امکان نقل و انتقال و...) را دارند، می‌توان بر آن بود که این حقوق مال هم به‌شمار می‌روند.

برخی نظام‌های حقوقی، حقوق فکری را از نوع حقوق عینی و برخی دیگر از نوع حقوق دینی، و شماری دیگر حقی خاص دانسته‌اند که در قالب این تقسیم‌بندی سنتی در حقوق نمی‌گنجد. بر پایه نظر مقبول‌تر در حقوق ایران و فقه اسلامی، حقوق فکری حقی عینی و از نوع حق مالکیت است، هرچند نظریه حق عینی محض هم پیروانی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۱ و لنگرودی، ۱۳۷۶).

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، مال آن چیزی است که ارزش اقتصادی دارد و این مال لزوماً شیء مادی نیست بلکه حقوقی نیز که ارزش مادی داشته باشد، مال محسوب می‌شود. از این رو حق مخترع و مؤلف نسبت به آثار خود نیز مال محسوب می‌گردد و قابلیت تقویم دارد. در نتیجه علی‌رغم تقسیم سنتی حقوق به حقوق عینی و حقوق دینی، شاخه سومی را نیز می‌توان تحت عنوان حقوق فکری بدان افزود. حقوقی که موضوع آن، شیء مادی نبوده بلکه فعالیت فکری و معنوی دارنده آن را تحت پوشش قرار می‌دهد و به دارنده آن اجازه می‌دهد که از حق خود آن‌گونه که می‌خواهد استفاده کند (صفائی، ۱۳۷۹).

به اعتقاد یکی از صاحب نظران، در عصر حاضر به دلیل تحولات فراوانی که روی داده است دیگر نمی‌توان حقوق مالی را بنا بر تعریف کلاسیک به حقوق عینی و دینی منحصر کرد بلکه حق دیگری نیز تحت عنوان حقوق معنوی مطرح است و از لحاظ انحصاری بودن با مالکیت شباهت دارد اما برخلاف حقوق عینی، موضوع آن شیء مادی نیست. مثل حق مؤلف بر نوشته‌هایش. لذا می‌توان حق مالی را به سه دسته عینی، دینی و معنوی تقسیم کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

فقها نیز دارای فکری را به عنوان یک حق قبول نموده و با توجه به این که در جهان معاصر تقریباً همه عقلای دنیا، دارای فکری را به عنوان یک حق شناخته و سلب آن را ظلم می‌دانند، برای آن شرعیت قائل هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

برای شرعیت دادن به دارای فکری، استدال‌های مختلفی از سوی فقهای بزرگوار صورت گرفته است که در اینجا به طور مختصر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ادله موافقان دارای فکری

الف - قاعده حفظ نظام و دلیل عقل مستقل

یکی از مسائل ضروری فقه، لزوم حفظ نظام و جلوگیری از اختلال نظام زندگی مسلمین است. فقهاء این اصل را به عنوان یک قاعده عقلی و ضروری، تا آنجا مسلم تلقی نموده‌اند که در بسیاری از موارد بخاطر حفظ این اصل دست از احکام اولیه برداشته و به احکامی ثانوی فتوا داده‌اند (زنجانی، ۱۴۲۱). یکی از قواعدی که با تکیه بر آن می‌توان به مشروعیت مالکیت معنوی دست یافت، قاعده حفظ نظام است.

هرگاه دیده شود عقلاء بما هم عقلاء چیزی را از آن جهت حسن می‌دانند که موجب حفظ نظام و بقاء نوع است و یا آن را قبیح می‌شمرند به خاطر آنکه موجب اختلال نظام می‌گردد، ناچار باید شارع طبق حکم آن‌ها حکم نماید. زیرا وی از عقلاء بلکه رئیس عقلاء می‌باشد (شوشتری، ۱۴۲۷).

جای شک نیست که آنچه امروزه به عنوان اموال معنوی یاد می‌شود، به حدی فراوان است که تمام ساحت‌های زندگی روزمره انسان را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. با این کثرت وجود، آیا شارع می‌تواند از به رسمیت شناختن آن صرف نظر کند؟ تردیدی نیست که اگر مالکیت معنوی به رسمیت شناخته نشود، علاوه بر اینکه ضررهای بزرگی به جوامع اسلامی وارد خواهد شد، خلاءهای فراوانی نیز در جامعه پدید خواهد آمد.

ب - قاعده سلطنت بر اموال

یکی از قواعد مسلم فقهی، قاعده‌ای است که گاهی از آن به «قاعده تسلط» یا «قاعده تسلیط»، تعبیر می‌شود؛ ولی در عبارت فقها به قاعده سلطنت معروف است. مفاد قاعده این است که هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ‌کسی نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶).

با توجه به مباحث گذشته ثابت شد که دارایی فکری در جامعه، مورد رغبت و حاجت بوده و دارای ارزش مالی و مفید ملکیت است. فقهاء نیز هر چیزی را که دارای منفعت محله مقصوده نزد عقلاء باشد را شرعاً قابل تملک و مبادله یا نقل و انتقال می‌دانند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵). بنابراین دارایی فکری به عنوان حقوق مالی دارای منفعت حلال نزد عقلا جامعه می‌باشد و لذا تحت شمول این قاعده قرار می‌گیرد و مالک آن تسلط کامل بر آن داشته و می‌تواند آن را نقل و انتقال نماید.

ج - قاعده لاضرر و لا ضرار

یکی از قواعد فقهیه مهم که مبنای بسیاری از احکام فقهی دیگر در فقه قرار می‌گیرد، قاعده‌ی لاضرر است. البته در تبیین مفاد آن نظریات مختلفی وجود دارد. مهم‌ترین آنها نظریه‌ی شیخ انصاری مبنی بر نفی حکم ضرری و نظریه‌ی آخوند خراسانی یعنی نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری که بر مبنای آن مفاد قاعده نفی آن دسته از احکامی است که موضوع آنها ضرری است و تفسیر امام (ره) از قاعده که نفی ضرر را از باب احکام سلطانیه و حکومتی می‌دانند می‌باشد (شوشتری، ۱۴۲۷).

بر اساس این حکم کلی امتنانی هر یک از احکام شرعی که در اوضاع خاصی باعث زیان رساندن به جان یا مال و آبروی مسلمان گردد و حقی از دیگری را تضییع نماید از اجرا و عمل به آن قانون جلوگیری می‌شود و هر عبادت یا معامله‌ای که مستلزم ضرری شخصی دنیوی - جز تکالیف اولیه ضروری مانند جهاد، خمس، زکات، حج، قصاص، حدود و دیات که به خاطر مصالح مهم‌تر وضع شده‌اند - منفی و برداشته می‌شود.

در مورد دارایی فکری نیز با توجه به صرف هزینه‌های انسانی و فکری و مادی فراوانی که جهت فراهم آمدن آن شده و مالیت و ارزشی که پیدا کرده است، چنانچه این هزینه‌ها نادیده انگاشته شود، ضرر و زیان فراوانی به بوجود آورنده و مالک دارایی فکری تحمیل خواهد شد.

د - مشروعیت مالکیت معنوی بر اساس نظریه منطقه الفراغ

این نظریه را شهید صدر پایه گذاری کرده است. منطقه الفراغ، به حوزه‌ای از شریعت ناظر است که به جهت ماهیت متغیر آن، احکام موضوعات و عناوین می‌توانند متغیر باشند و شارع وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوب معینی به عهده ولی امر گذاشته است. در صورت پذیرش نظریه منطقه الفراغ، به چند نکته دست خواهیم یافت:

- مبنای اعتبار مالکیت معنوی اراده قانونگذار خواهد بود که مشروعیت اختیار ایشان از سوی شارع افزوده شده است.
- نظام مالکیت معنوی دارای ثبات و دوام نخواهد بود و شرایط و اقتضائات ممکن است آن را دچار تحول و دگرگونی نماید یا حتی نظام دیگری جایگزین آن گردد.
- مدت و شرایط مالکیت معنوی تابع مصالحی است که قانونگذار بدان توجه کرده است.
- پس از وضع قانون، می‌توان جایگاه مالکیت معنوی را در ساختار حقوق و نهادهای آن تعیین کرد.

ه - بناء عقلاء

بنیاد اصلی تمدن و تکامل انسان در میان دیگر مخلوقات مرهون وجود موهبت خدادادی عقل و اندیشه است. لذا پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری، همواره از سوی عقلائی جهان مورد ارزش و احترام بوده‌اند. از آنجایی که این بنای عقلاء و ارتکاز عرف جهانی به ویژه در باب معاملات مورد منع و ردع قرار نگرفته، لذا این مالکیت و مالیت دارایی فکری نیز مورد تأیید شارع مقدس است.

بر اساس همین مبنای، برخی فقهاء، دارایی فکری را از حقوق عقلائی‌های دانسته‌اند که شارع مقدس بر اساس عمومات کتاب و سنت آن را امضاء نموده است، زیرا در عرف عقلاء، عدم رعایت آن نوعی ظلم محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷).

عقود پیشنهادی در قالب شیوه‌های معامله دارایی‌های فکری

با توجه به پذیرش مالیت و مالکیت دارایی فکری به ویژه بعد از تصویب قانون مربوطه در مجلس شورای اسلامی (قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، ۱۳۸۶)، نسبت به معامله و نقل و انتقال آن، برای شیوه‌های معامله دارایی فکری عقود ذیل پیشنهاد می‌شود.

۱. انتقال قطعی و همیشگی دارایی فکری

برای نقل و انتقال قطعی و همیشگی دارایی فکری می‌توان از قراردادهای ذیل استفاده کرد که هر یک ویژگی‌هایی دارند که در ادامه مباحث می‌آید.

الف. بیع

بیع، شایع‌ترین و عام‌ترین مصداق تجارت و در روایات، برترین کسب‌ها معرفی شده است. بیع در لغت به معنای مبادله مال در برابر مال معنا شده است (فیومی، بی‌تا). اما در اصطلاح فقهی، فقهاء تعریف‌های متفاوتی از بیع ارائه داده و هر کدام کوشیده‌اند با بهترین و کوتاه‌ترین عبارت، ماهیت این عقد را بیان کنند. مشهورترین تعریف در میان فقهای متأخر «انشاء تملیک عین به عوض» است (یزدی، ۱۴۲۱؛ خمینی، ۱۴۲۱). و در اصطلاح حقوقی نیز، قانون مدنی در ماده ۳۳۸ به تبعیت از فقهاء، بیع را این چنین تعریف کرده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معین».

با تحلیل عبارات فقهاء در تعریف بیع، روشن می‌شود که همه آنان به دنبال نشان دادن ویژگی‌های اساسی بیع بوده‌اند و اختلافات آنان تنها در تعریف لفظی بیع می‌باشد و در ماهیت آن به عنوان یکی از عقود معین، اختلافی ندارند. صاحب جواهر با بیان این نکته می‌فرماید: «مراد فقهاء از تعریف‌هایی که برای عقد بیع ذکر کرده‌اند، تنها کشف فی الجملة از ماهیت آن است نه تعریف منطقی» (نجفی، ۱۴۰۴).

با توجه به تعاریف فقهاء از بیع، ویژگی‌های اساسی بیع عبارت‌اند از:

۱. عقد بیع از عقود تملیکی و معوض است. به این معنا که بایع، مبیع را در مقابل ثمن، به مشتری تملیک می‌کند. این ویژگی، عقد بیع را از عقود عهدی مانند جعاله و حواله و عقود اذنی مانند عاریه و ودیعه و نیز عقودی که مبنی بر انتقال مالکیت رایگان می‌باشد مانند هبه، متمایز می‌گرداند.

۲. در عقد بیع، عین مال مورد معامله قرار می‌گیرد؛ یعنی موضوع بیع، انتقال عین در مقابل عوض است. این ویژگی، عقد بیع را از اجاره و سایر عقود در مورد تملیک غیر عین، جدا می‌کند.

۳. ویژگی دیگر عقد بیع، لزوم آن است که باعث تمایز آن از عقود جایز می‌شود.

۴. دیگر از ویژگی‌های بیع، دوام بیع است. همانطور که بیان شد اکثر فقهاء، عین بودن مبیع را از شرایط اساسی بیع و وجه تمایز آن با اجاره می‌دانند (خویی، ۱۴۱۹). اما برخی فقهاء این نظر را نپذیرفته و قائل به امکان تصور بیع در غیر اعیان مانند حقوق و منافع شده‌اند. در مقابل اکثر فقیهان که عینیت را در مبیع شرط می‌دانند، برخی نیز دلیلی

بر اختصاص مبیع به اعیان قائل نبوده، بلکه آن را اعم از اعیان، منافع و حقوق می‌دانند. امام خمینی (ره) ضمن رد شرط عینیت در مبیع، در تأیید این که لازم نیست مبیع عین باشد، می‌فرماید: «همه می‌پذیرند که اگر عوض عین نباشد، بیع صحیح است. از آنجا که فرق بین عوض و معوض فقط اعتبار انشاء است و اما در واقع هر یک از آنها، عوض دیگری است، پس ماهیت بیع مبادله بین آنها می‌باشد و هر یک از آنها عوض دیگری قرار داده می‌شود، پس عین، بدل از ثمن است و ثمن، بدل از عین می‌باشد. بنابراین چنان که در جانب ثمن (عوض) عینیت شرط نیست، در جانب عوض دیگر (مبیع) نیز عینیت شرط نمی‌باشد؛ زیرا بین این دو از جهت عوض و معوض بودن فرقی نیست (فرق بین آن دو اعتباری است نه واقعی)» (خمینی، ۱۴۲۱).

آیت الله مکارم شیرازی نیز علاوه بر این که مبیع را شامل منافع دانسته و از تملیک منافع، به بیع تعبیر کرده‌اند، حتی بیع حقوق را نیز قابل انکار نمی‌داند؛ چنان که در بین عقلاء نیز فروش سرقفلی، حق انشعاب آب و برق و تلفن امری رایج و متداول است و به این دلیل معتقد است: «ممکن نیست از اجرای احکام بیع بر فروش این قبیل حقوق مانع شویم، زیرا فروش آنها در نزد عرف شایع است به طوری که همه آن را قبول دارند و مانعی از اطلاق بیع بر آنها نیز وجود ندارد و عمومات کتاب و سنت نیز شامل حال آنها است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵).

کلمه بیع، زمانی به معنای نقل اعیان یا تبادل مال با مال بود؛ ولی پدید آمدن شرایط جدید و پیدایش حقوق و مالکیت‌های معنوی سبب شده که فهمی جدید از بیع پیدا شود که بر معاوضه حقوق نیز صادق باشد؛ مانند بیع «حق سرقفلی»، یا فروش «حق نشر»، «حق اختراع»، «حق تألیف» و مانند آن. شرایط جدید و پیدایش حقوق جدید در مجتمع انسانی، فقیه را وادار به بازنگری در حقیقت بیع می‌کند و در نتیجه سبب تجویز بیع حقوق و امتیازات می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷).

از آنجایی که دارایی فکری، شرعاً و عرفاً به عنوان مال پذیرفته شد، گرفتن مال در ازای اعطای آن به دیگری جایز است. حال سخن در این است که آیا می‌شود آن را در قالب عقد بیع به دیگری اعطا نمود یا خیر؟

چنانچه عین بودن را در عقد بیع شرط بدانیم، نمی‌توان قائل به انتقال دارایی فکری در قالب بیع شد زیرا دارایی فکری از جمله حقوق مالی می‌باشد و عین نیست. اما در صورتی که قائل به اختصاص مبیع در اعیان نباشیم و منافع و حقوق را نیز قابل مبیع واقع شدن بدانیم، می‌توانیم عقد بیع را برای انتقال اوراق دارایی فکری نهادینه نماییم.

ب. معاوضه

در فقه، معاوضه به عنوان عقد معین محسوب نشده در حالی که قانون مدنی آن را جزء عقود معین آورده است. ماده «۴۶۴» قانون مدنی می‌گوید: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد»، با توجه به مفاد ماده فوق معلوم می‌شود که معاوضه مانند بیع یکی از عقود معینه معاوضی است، بنابراین کلیه احکام و آثاری که لازمه عقد معوض است در عقد معاوضه نیز جاری می‌گردد.

چنانکه از ماده بالا استنباط می‌شود عقد معاوضه از عقود تملیکی می‌باشد و به وسیله آن یکی از متعاملین مالی را به دیگری تملیک می‌نماید در مقابل مالی که طرف به او تملیک می‌کند؛ زیرا علاوه بر آنکه هر یک از طرفین قصد تملیک مال خود را در مقابل تملک مال دیگری دارد و در حقیقت قصد موجد و مولد عقد می‌باشد، متعاملین باید در انعقاد عقد معاوضه قصد معاوضه داشته باشند همچنانکه در انعقاد هر یک از عقود دیگر باید قصد آن عقد مخصوص را بنمایند. این است که فقهاء گفته‌اند «العقود تابعة للقصود».

معاوضه دارای دو مورد است که یکی را معوض و دیگری را عوض می‌گویند، به این صورت که آنچه ابتداء مورد معاوضه قرار می‌گیرد معوض و آنچه در مقابل آن قرار می‌دهند عوض می‌باشد، مثلاً هرگاه کسی بگوید کتابم را در مقابل قلم خودنویس به تو می‌دهم، کتاب معوض و قلم خودنویس، عوض است.

از نظر تحلیلی عنوان عوض و معوض اعتباری است و مانند عنوان ثمن و مبیع می‌باشد. هر یک از عوضین (معوض و عوض) می‌تواند عین خارجی و در حکم آن یا کلی فی الذمه باشد، همچنانکه ممکن است دین، منفعت، عمل و حق قرار گیرد (امامی، ۱۳۷۴).

بنابراین دارایی فکری که حق مالی محسوب می‌شود را می‌توان با عقد معاوضه، به دیگری واگذار نمود.

شایان ذکر است که در عقد معاوضه طبق ماده «۴۶۵» قانون مدنی احکام خاصه بیع جاری نمی‌شود همچنانکه احکام خاصه عقود معینه دیگر نیز در آن جاری نمی‌گردد، از آن جمله است خیرات مختص بیع مانند خیار مجلس، خیار حیوان و خیار تأخیر ثمن که ماده «۴۵۶» آن را متذکر شده است.

تمییز بیع و معاوضه وابسته به قصد مشترک طرفین است؛ اگر آنان بخواهند که دو چیز را بدون هیچ امتیازی با هم مبادله کنند، توافق آنان تابع قواعد و معاوضه است. و هرگاه چنین اراده کنند که یکی از دو عوض مبیع و دیگری بهای آن باشد، قرارداد مذکور بیع است.

ج. صلح

یکی از عقود معین که در فقه مورد بحث قرار گرفته، عقد صلح است. عقد صلح - چنان که بسیاری از فقهاء گفته‌اند - عقدی است که برای رفع نزاع تشریح شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳). اما این تعریف به اعتقاد بسیاری از فقیهان، تنها بیان کننده حکمت تشریح عقد صلح است نه علت آن (نجفی، ۱۴۰۴) و بر این اساس، مشروعیت عقد صلح منحصر به مواردی نیست که نزاعی رخ داده یا اختلافی وجود داشته باشد، بلکه عقد صلح به عنوان عقدی مستقل در کنار سایر عقود، مشروعیت و اعتبار دارد. دیدگاه گسترده فوق در مورد عقد صلح مورد اتفاق فقهای شیعه است و ظاهراً فقهای شیعه در این زمینه تردیدی ندارند (بحرانی، ۱۴۰۵؛ نجفی، ۱۴۰۴).

عقد صلح عبارت است از تسالم و تراضی طرفین عقد بر امری که این امر ممکن است تملیک عین یا منفعت یا اسقاط دین یا حق و یا چیزی جز این‌ها باشد (خمینی، بی تا). همانطور که بیان شد صلح به معنای تراضی و تسالم بر کاری است. مشهور فقهاء صلح را عقدی مستقل (شهید ثانی، ۱۴۱۰) و به معنای انشای تسالم بر کاری معلوم می‌دانند. از این رو عقد صلح، تابع شروط خاصی غیر از قواعد عمومی قراردادها نیست، گرچه اثر توافق طرفین در مصالحه، ممکن است با اثر یکی از عقود معین، مشابهت داشته باشد.

نکته قابل توجه در عقد صلح این است که صلح به لحاظ مفهوم و مورد، قلمرو توسعه عمل حقوقی آن از دیگر عقود بیشتر است و همانطور که بیان شد منحصر به رفع تنازع نیست. هر چند هدف اصلی از تشریح صلح، از بین بردن تخاصم و رفع اختلاف و تشاجر است، اما آن علت حکم نیست تا حکم دائر مدار آن باشد. روشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آن چه از مفاد روایات درباره صلح بر می آید، شرط تحقق و اعتبار صلح، دو چیز است: نخست این که طرفین صلح در مورد آن تراضی و طیب نفس داشته باشند (حرعاملی، ۱۴۰۹) و دیگر این که صلح بر کاری که محلل حرام یا محرم حلال است، نباشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳).

این ویژگی‌های خاص عقد صلح، موقعیتی ممتاز به آن می‌بخشد، به گونه‌ای که می‌توان به وسیله این عقد، اقدام به ایجاد بسیاری از عقود معین نمود، بدون آن که به احکام و شرایط خاص آن عقود

پایبند بود، و یا دست به تأسیس عقود و معاملات جدید زد؛ در حالی که در تمام این‌ها هیچ‌گونه پیشینه خصوصیت و نزاع و یا احتمال آن وجود ندارد.

همانطور که عین می‌تواند موضوع عقد صلح قرار بگیرد، منفعت و حق نیز می‌تواند موضوع صلح باشد (مراغی، ۱۴۱۷). البته شایان ذکر است که با توجه به تقسیمی که شیخ انصاری (ره) از حقوق داشتند، حقوقی که قابل نقل و انتقال و قابل اسقاط نیستند را نمی‌توان موضوع صلح قرار داده و بر آن مصالحه نمود (سبزواری، بی‌تا).

بنابراین چه بیان شد، دارایی فکری که جزء حقوق مالی قابل نقل و انتقال محسوب می‌شود را می‌توان در قالب عقد صلح مورد معامله قرار داده و اوراق بهادار آن را در بازار ثانویه داد و ستد کرد.

۱. واگذاری حق بهره برداری از دارایی فکری برای مدت یا مقدار معین

الف. صلح

همان‌طور که قبلاً از نظر گذشت، عقد صلح دارای ویژگی‌های منحصر به فردی در میان دیگر عقود می‌باشد که سبب شده تا بتوان برخی از معاملات را که در قالب دیگر عقود معهود فقهی نمی‌گنجد را با عقد صلح منعقد نمود. همین جایگاه خاص صلح سبب شده است که برخی آن را «سید العقود» (قزوینی، ۱۴۱۴) یا «انفع العقود» بدانند (سبزواری، ۱۴۱۳).

یکی از ویژگی‌های عقد صلح این است که می‌توان حقوق را نیز در قالب آن برای مدت زمان معین یا برای تعداد معین مصالحه و مورد نقل و انتقال قرار داد؛ لذا دارایی فکری که حقی مالی به شمار می‌آید، قابلیت این را دارد که با عقد صلح به مورد معامله واقع شود.

ب. اجاره

تعریف مشهور در میان فقهاء در مورد عقد اجاره عبارت است از: «تملیک منفعت یا عمل در مقابل عوض» (نجفی، ۱۴۰۴). اجاره یا متعلق به اعیانی است که مملوک است از قبیل خانه یا مزرعه یا کالا یا لباس و مانند این‌ها؛ که تملیک منفعت آن‌ها را در برابر عوض، فائده می‌بخشد. یا متعلق به انسان است مانند اینکه شخص آزاد خودش را برای کاری اجیر نماید که غالباً تملیک کارش را به دیگری در مقابل اجرتی که قرار داده می‌شود، فائده می‌دهد (خمینی، بی‌تا).

سؤالی که در این جا مطرح می‌باشد این است که آیا مورد اجاره می‌تواند حق باشد؟ و آیا حق بهره برداری از دارایی فکری که نوعی حق مالی به حساب می‌آید را می‌توان اجاره داد یا خیر.

دارایی فکری از جمله حقوق مالی مستحدثی است برای فقهاء در گذشته مصداقی نداشته تا آن را مورد تحلیل قرار داده و قابلیت اجاره دادن آن را نیز بررسی کرده باشند. ولی در کلام فقهاء بحث

اجاره دادن برخی حقوق مطرح است که می‌توان از آن برای مسأله دارایی فکری نیز استفاده نمود. در این زمینه می‌توان از «حق آب» نام برد که شخص معینی در ساعات معینی از شبانه‌روز مالک آن حق است. فقهاء در مورد اجاره این نوع حق، قائل به جواز شده‌اند (لنکرانی، بی‌تا).

همانطور که برخی فقهای معاصر با توجه به این که در عرف، بیع حقوق مورد قبول بوده و مانعی از اطلاق بیع بر آن وجود ندارد، عینیت داشتن مبیع را شرط نمی‌دانند و قائل به بیع حقوق شده‌اند، در اجاره نیز می‌توان همین مبنا را بپذیریم. بنابراین در صورتی که قبول نماییم که مورد اجاره می‌تواند حقی باشد که پس از اجاره دادن و بهره‌برداری از منافع آن حق، خود حق باقی مانده و بتوان منافع آن را به دیگری اجاره داد، حق بهره‌برداری از دارایی فکری را نیز می‌توانیم برای مدت یا مقدار مشخصی، در قالب عقد اجاره به دیگری واگذار کنیم. زیرا پس از بهره‌برداری از دارایی فکری، اصل حق باقی مانده و می‌توان منافع آن را به دیگری انتقال داد.

۲. مشارکت مالک دارایی فکری با بهره‌بردار به صورت دائم یا برای مدت یا مقدار معین

شرکت عبارت است از: اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد بنحو اشاعه (عاملی، ۱۴۱۹). شرکت، عقدی جایز است که هر یک از دو شریک هر وقت خواسته باشند می‌توانند شراکت را فسخ نمایند. صیغه آن نیز، هر لفظی است که دلالت بر راضی بودن به شراکت کند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق). عقد شرکت به یک اعتبار منقسم می‌شود به سه قسم:

اول: آنکه چند نفر در مالی که «عین» باشد شریک باشند نه در «منفعت». مثل اینکه در حیوان یا پول یا متاع و اقمشه و سایر اجناس شریک باشند. و این قسم از شرکت را علماء شرکت اعیان می‌گویند.

دوم: اینکه چند نفر در منفعتی با یکدیگر شریک باشند. مثل اینکه چند نفر چیزی را به شراکت اجاره کنند. و این قسم را علماء شرکت منافع می‌گویند.

سوم: اینکه چند نفر در حقی از حقوق شرکت داشته باشند. مثل اینکه چند نفر شریک باشند در اینکه شخصی را قصاص کنند، یا حد بزنند، یا شریک باشند در رهن یا منفعت یا در خیار شرط و خیار عیب. و این قسم از شرکت را علماء شرکت حقوق می‌گویند (خمینی، بی‌تا).

دارایی فکری که حق مالی است می‌تواند موضوع عقد شرکت واقع شود و مشارکت مالک دارایی فکری با بهره‌بردار آن، مصداقی روشن از شرکت حقوق است.

هم‌چنین علاوه بر عقد مشارکت می‌توان در راستای بهره‌برداری به صورت دائم یا برای مدت یا مقدار معین از دارایی فکری از عقد صلح نیز استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نخست جایگاه دارایی‌های فکری و ضرورت و اهمیت آن در اقتصاد بررسی شد. سپس دارایی فکری، پیشینه آن، انواع دارایی‌های فکری و شیوه‌های واگذاری آن مورد بحث قرار گرفت. در ادامه امکان‌سنجی واگذاری دارایی‌های فکری از منظر فقهی در قالب شیوه‌های مختلف به‌طور مفصل مورد بحث قرار گرفت که بخش اصلی مقاله را نیز به‌خود اختصاص داد. در نهایت نتایج تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان برای هر یک از شیوه‌های واگذاری دارایی‌های فکری برخی از قالب‌های فقهی را پیشنهاد نمود که عبارتند از:

۱. برای نقل و انتقال و واگذاری دائم و همیشگی دارایی فکری می‌توان از قراردادهای بیع و صلح استفاده کرد.
۲. برای واگذاری دارایی فکری برای مدت یا مقدار معین می‌توان از قراردادهای معاوضه، صلح و اجاره استفاده کرد.
۳. برای مشارکت مالک دارایی فکری با بهره‌بردار به صورت دائم یا برای مدت یا مقدار معین می‌توان از قرارداد شرکت استفاده نمود.



منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. آذری، کیوان (۱۳۶۰ش)، «حقوق معنوی پدیدآورنده اثر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۲.
۳. اصفهانی، فتح الله (۱۳۹۸ق)، رساله فی تحقیق معنی البیع، قم، دارالکتاب.
۴. امامی، سید حسن (۱۳۷۴)، حقوق مدنی (امامی)، تهران، انتشارات اسلامی، جلد ۱ و ۴.
۵. ایروانی، محمد رضا (۱۳۷۴ش)، «حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن»، مجله علمی پژوهشی نامه مفید، شماره ۴.
۶. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، جلد ۲۱.
۷. بهرامی، سوسن، سعید رجایی پور و محمد حسین یارمحمدیان (۱۳۹۱)، «اجزا و مدل های متداول سنجش دارایی های فکری»، مدیریت اطلاعات سلامت، دوره نهم، شماره ۵.
۸. حائری، سید کاظم (۱۳۷۹ش)، «بررسی فقهی حق ابتکار»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، شماره ۲۳.
۹. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، جلد ۱۸.
۱۰. حسنی، هاشم معروف (بی تا)، نظریه العقد فی الفقه الجعفری، بیروت، منشورات مکتبه هاشم.
۱۱. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۷ش)؛ مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۱۲. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۱ش)، مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۸ش)، «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳.
۱۴. حکیم، سید محسن (بی تا)، نهج الفقاهة، قم، انتشارات ۲۲ بهمن.
۱۵. خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، جلد ۱.
۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۱۵ق)، کتاب البیع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الخامسة، جلد ۱.

۱۷. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۱ و ۲.
۱۸. خوئی (الف)، سید ابو القاسم موسوی (بی تا)، مصباح الفقاهه، جلد ۲.
۱۹. خوئی (ب)، ابو القاسم (بی تا)، المستند فی شرح العروة الوثقی.
۲۰. زنجانی، عباس علی عمید (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی (عمید)، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم.
۲۱. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۲۲. سبزواری، سید عبد الأعلى (بی تا)، جامع الأحكام الشرعیة، قم، مؤسسه المنار، چاپ نهم.
۲۳. السنهوری، عبدالرزاق (بی تا)، الوسیط فی شرح القانون المدني، بیروت، التراث العربی، جلد ۸.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، جلد ۴.
۲۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول، جلد ۴.
۲۶. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی (۱۴۲۷ق)، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، جلد ۱ و ۲.
۲۷. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق)، کتاب المكاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ج ۴.
۲۸. شیخ صدوق (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، جلد ۳.
۲۹. صفائی، سید حسین (۱۳۵۰ش)، مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶.
۳۰. صفائی، سید حسین (۱۳۷۹ش)، دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال، تهران، میزان، چاپ اول.
۳۱. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ج ۱.
۳۲. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، جلد ۵.
۳۳. عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۲۰ و ۱۲.

۳۴. عطافر، علی و نسرین علینقیان (۱۳۸۷ش)، «مروری بر مدل‌های اندازه‌گیری سرمایه‌فکری»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال هفتم، شماره ۲۰.
۳۵. فکور، بهمن (۱۳۸۳ش)، «تجاری سازی نتایج تحقیقات»، رهیافت، شماره ۳۴.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد مقری (بی‌تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول، ج ۲.
۳۷. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، ۱۳۸۶.
۳۸. قزوینی، ملا علی (۱۴۱۴ق)، صیغ العقود و الإیقات، قم، انتشارات شکوری، چاپ اول.
۳۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹ش)، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و هفتم.
۴۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱ش)، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد ۳.
۴۱. کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۲.
۴۲. لنگرانی، محمد فاضل (بی‌تا)، جامع المسائل (فارسی - فاضل)، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم.
۴۳. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶ش)، حقوق اموال، تهران، بی‌جا، جلد ۱.
۴۴. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، جلد ۱.
۴۵. مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، جلد ۲.
۴۶. مکارم شیرازی (الف)، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتاءات جدید، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم.
۴۷. مکارم شیرازی (ب)، ناصر (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
۴۸. مکارم شیرازی (۱۳۷۱)، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق)، انوار الفقاهة، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۵۰. منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و شکوری، قم، مؤسسه کیهان، چاپ اول، جلد ۸.
۵۱. نائینی، میرزا محمد حسین (۱۴۱۳ق)، المکاسب و البیع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۱.

۵۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، جلد ۲۲ و ۲۶ و ۲۷.
۵۳. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، حاشیة المکاسب، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، جلد ۱.
54. Rivette, Kevin.G., Kline, David (2000). "Discovering new value in intellectual property". Harvard Business Review, NO 78.
55. Cohen, Jeffrey A (2005). Intangible assets: valuation and economic benefit, John Wiley & sons.
56. International Accounting Standards Committee. (1998) IAS 38 intangible assets. Available at: <http://www.iasc.org.uk>.
57. Andriessen, Daniel (2004). "Making sense of intellectual capital : designing a method for the valuation of intangibles", Elsevier.
58. Mard, Michael J(2007). Valuation for financial reporting : the determination of fair value for audited intangible Assets, John Wiley & Sons, Inc
59. Abeysekera, Indra (2008). Intellectual caoital accounting: practices in developing country, Routledge, First published.
60. Caddy, I. (2000). "Intellectual capital: recognizing both assets and liabilities", Journal of Intellectual Capital, pp. 129–146.
61. IFAC (International Federation of Accountants) (1998), The measurement and management of intellectual capital: an introduction study, 7 October, IFAC, New York.